

دانش کنیم، بحث‌های سیاسی را کاملا کنار بگذاریم و گر نه به سر نوشتی مانند کانال‌های مانند اینترنشنال و... دچار می‌شویم.

**مسعود ده نمکی (کارگردان):**

**بله، سینمای ایران سیاسی است و چرا نباید باشد؟**

بله، سینمای ایران سیاسی است و چرا نباید باشد؟ از نظر من سینمای سیاسی هم مانند بقیه ژانرها، یک ژانر است و نه تنها در ایران که در همه جای دنیا هنرمندان با ساخت فیلم زاویه دید و نگاه خود را در اثر منعکس می‌کنند و احساس نمی‌کنم سینمای سیاسی رویه اشتباهی باشد، البته الزاما همه آثار هم به این شکل و شمایل نیستند ولی به هر حال برخی هم تفکرات سیاسی دارند و بالطبع اثری با توجه به نوع نگاهشان می‌سازند و اینکه ما می‌بینیم فیلم‌ها مملو از حرف‌های شده که به نظر سیاسی است باید قبول کرد که در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که حتی رانندگان تاکسی هم سیاسی حرف می‌زنند! در ناتوایی هم همین طور، سینما بازتابی از همین اجتماع است.

**ابوالقاسم طالبی (کارگردان):**

**سینمای ایران سیاسی نیست، جناح زده و سیاست زده است!**

سینمای ایران سیاسی نیست، جناح زده و سیاست زده است! و از نظر من هنرمندی نمی‌تواند در این سینما حضور داشته باشد و بیشتر هنر فروشان هستند که در این مدل سینمایی فعالیت می‌کنند. چرا که سیاست به تنهایی خوب و به معنی حل مشکلات جامعه مدنی و اجتماعی با تدبیر و ابتکار است. اما اینکه در این بین جناحی بر خورد کنیم و شرایط را امتسح کنیم علی‌الخصوص اگر از جناح دشمن بیرونی و کسانی که بر جهت نفی و نابودی کشور ایران هستند، حمایت کنیم، این نامش دیگر سیاست نیست، نوعی خودفروشی است.

**سید جمال ساداتیان (تهیه کننده):**

**ما سینمای سیاسی نداریم**

بنده رویکرد سینمای ایران را بیشتر اجتماعی می‌دانم. از نظر من ما سینمای سیاسی نداریم فقط برخی از فیلم‌ها ممکن است حرف‌های تند اجتماعی بزنند، که همین مسئله هم روز به روز در حال محدود شدن است! از نظر من حوزه هنر، حوزه دل است و هنرمند در پی شکوفا شدن حس یا بر اساس قریحه خود اثری را خلق می‌کند. به همین دلیل معمولاً سینمای دستوری و سفارشی خیلی کار کرد ندارد و باید هنرمند را آزاد گذاشت تا

کار خودش را پیش ببرد، چرا که هنرمندی بر باور است. مثلاً سیاست فرزند آوری اگر چه حتی در راس دستورات سیاسی یک کشور باشد، با فیلم و سینما نمی‌توان این امر را محقق کرد، چرا که فرزند آوری تابع شرایط اقتصادی یک خانواده است، نه چیز دیگر! به همین خاطر از نظر من کارکردهای دستوری اگر چه در سینما هم راه پیدا کنند، هیچ تأثیری بر روی جامعه نخواهند داشت. اما از طرفی هم وقتی شخص یا سازمانی فیلمی را با هزینه خود تولید می‌کند، طبیعتاً اثری را می‌سازد که با مذاق خودش سازگار باشد، به همین ترتیب اکثر فیلم‌های سازمان‌های سینمایی، دفاع مقدس و انقلاب است و این از نظر من خیلی دور از منطق نیست اما انتظار می‌رود در این شرایط اجازه دهند که سینمای مستقل هم فیلم خودش را بسازد، چرا که این سینما که به دنبال حمایت مالی نیست تنها اجازه کار و ساخت می‌خواهد بدون اینکه با ممیزی‌های سخت روبرو شود.

**مسعود اطیابی (تهیه کننده):**

**سینمای ایران سیاسی است اما آسیب زان نیست**

سینمای ایران سیاسی است و در این مسئله هیچ نقطه آسیب زنده خاصی حس نمی‌کنم. چرا که لحظه به لحظه‌ای که ما در آن نفس کشیده و زندگی می‌کنیم سیاسی است، پس به تبع آن سینما هم حتماً سیاسی است. از نظر من سینما درست سیاستمداران است و از نظر من هم هیچ مشکلی از این سمت متوجه سینما نمی‌شود. چرا که سیاستمداران به دنبال پیشرفت و مصالح جامعه ایرانی هستند. یادمان نرود که حضرت آیت الله خامنه‌ای فرموده‌اند: «سینما کلید پیشرفت کشور است.» اگر به عمق سیاسی بودن سینما توجه کنیم این جمله کاملاً بیانگر رسالت سینمای هر کشور است. چرا که سیاست یعنی داشتن برنامه منظم برای آینده‌ای به دور از اشتباه و خطا! اما اگر همین سیاست را به ورطه سیاسی بازی بکشانیم تعبیرش کاملاً فرق می‌کند و به هیچ عنوان به صلاح جامعه و هنرمند نیست.

**حمید زرگر نژاد (کارگردان):**

**سوال خوب جواب ندارد**

این سوال، سوال بسیار خوبی است اما من برای آن پاسخی ندارم. فقط می‌توانم بگویم روی نکته مهمی دست گذاشته‌اید و سوال خوبی را مطرح کرده‌اید، متشکرم.

**محمدرضا شریفی‌نیا (بازیگر):**

**مگر زندگی چیزی غیر از سیاست است؟**

سوال تان را با سوال پاسخ می‌دهم، مگر زندگی چیزی غیر از سیاست است؟ سینما بر گرفته از چیست؟ سینما رونوشتی از همین زندگی روزمره ماست و سیاست جزئی از زندگیست. و معمولاً همه، چه دولتمردان و چه سینماگران مستقل اهداف و دیدگاه‌های خود را در سینما دنبال می‌کنند. سینما بازتابی از همین زندگی است.

بنابراین اگر زندگی سیاسی است، سینما هم سیاسی است و اگر زندگی سیاسی نیست، سینما هم سیاسی نیست در اینجا نکته مهم این است که شما سیاست را چگونه می‌بینید؟ به همان قاعده سیاست رادر سینمای خود نمایان می‌کنید، دفاع مقدس هم بخشی از زندگی ایرانی هاست، پس اگر وجوه آن در سینما دیده می‌شود دلیل اش کاملاً مشخص است. از نظر من اگر در جشنواره فجر امسال دفاع مقدس دفاع مقدس بوده است به سبب این بود که سال گذشته سهم سینمای دفاع مقدس در سینما اندک بود و آثار زیاد امسال به نوعی تلافی سهم اندک سال گذشته بود.

**حبیب اسماعیلی (بازیگر):**

**ملاک اصلی فیلمنامه است**

سینما با تنوع ژانری که دارد پاسخگوی سلیق مختلف مخاطبان است. شرایط بحرانی که از سال گذشته پیش آمد شرایط را برای سینماگران سخت تر کرد. اما خوشبختانه همین حرکت آهسته و به مرور که در حال پیشروی است، حال سینما را بهتر کرده است و این مسئله از تعداد مخاطبانی که از فیلم‌های روی پرده استقبال می‌کند، مشخص است. به نظر من این سیر صعودی نوید بخش است و نشانه خوبی است مخصوصاً در دو ماه گذشته، و این نشان دهنده این است که این سینما هر چیزی که هست موفق به جذب مخاطب شده است. به اعتقاد من در دنیا به طور روز افزون تفریحات زیاد و جدیدی عرضه می‌شود اما سینما جایگاه خودش را دارد. البته همه این مسائل مشروط بر این است که دولتمردان ما اجازه دهند فیلم خوب و پر مخاطب ساخته شود. مثلاً اینکه با فیلم کم‌مدی راحت تر کنار بیایند اما برای ساخت فیلم‌های اجتماعی سخت‌گیری کنند، شرایطی بوجود خواهد آمد که هر دو طرف آسیب خواهند دید و فیلم‌های مانند برادران لیلیا و جنگ جهانی سوم سر از شبکه‌های قاچاق خواهند آورد که قطعاً به ضرر تهیه کننده خواهد بود. به هر حال هنرمند فارغ از اینکه یک فیلم از کدام سازمان و با چه رویکردی در حال ساخت است، باید در وهله اول فیلمنامه را ملاک انتخاب خود قرار دهد چرا که فیلمنامه خوب و داستان تأثیر گذار از هر سازمان و یا با بودجه شخصی، اثر هنری محسوب می‌شود.

**جمال شورجه (کارگردان):**

**فیلمی که با دیدگاه خود سینماگر ساخته شود**

**خوب است**

فیلم فارغ از هر انتسابی، اگر با دیدگاه خود فیلمساز و نویسنده ساخته شده باشد خوب است. خوشبختانه من در این دوره شاهد تولید و ساخت فیلم‌های خوبی بودم. فیلم‌های مثل غریب و اتفاق گلی آثار چشم نواز و ماندگاری هستند. من وقتی جوانانی را می‌بینم که با این شور و هیجان در حوزه دفاع مقدس تلاش می‌کنند، خدا را شکر می‌کنم.

**محمد تقی فهیم (منتقد):**

**سینمای ایران کاملاً سیاسی و در رنج است**

سینمای ایران کاملاً سیاسی است و به شدت از این ناحیه رنج می‌برد. سینما باید در زیر لایه‌های خود به سیاست بپردازد نه در شعار زدگی و تابلو وارگی با پرچم! اگر ما در سینما ژانری را به عنوان سینمای سیاسی داشتیم خوب بود، اما متأسفانه نه ژانر و نه حتی گونه‌ای با این ساختار تعریف نشده است. یعنی ما سینمای ژانر سیاسی نداریم. و این در حالی است که کل سینمای ما دچار آسیب زدگی در شعاری بودن است، و از نظر من این مسئله مقوله مهمی است که نیاز به آسیب شناسی دارد. به همین خاطر هنرمندان ما به شدت سیاست زده هستند و به جای قصه‌گویی و خلق موقعیت دراماتیک به دنبال این هستند که شعارهای گل درشت را در فیلم‌ها نهادینه کنند. و این مسئله از توقع دولتمردان ما ریشه می‌گیرد که باب ساخت اثر سفارشی را گشوده کردند. اساساً به لحاظ اینکه کلیت سینمای ما دولتی است، این آسیب‌ها از بالا به پایین صورت می‌گیرد.

